

جوانان حکمتیست ۶۱

سردبیر: فواد عبداللهی
 دبیر سازمان: بهرام مدرسی

سه شنبه ها منتشر می شود! ۲۵ Oct 05 - ۶ آبان ۱۳۸۴

www.javanx.com

این گنجینه تعفن را باید انداخت!



مصاحبه با ثریا شهابی

فواد عبداللهی: نظراتان راجع به کشمکش این دوران جوانان با جمهوری اسلامی چیست؟ این کشمکش و جنگ علیه حاکمیت قوانین مذهبی از کجا ناشی می شود؟

ثریا شهابی: این کشمکش از تعارض مختصات یک زندگی متوسط جوان امروزی با مقتضیات زندگی در یک محیط قرون وسطایی اسلامی ناشی میشود. اسلام دین خشونت، نابرابری، اذهان متروکه، تاجر و تسلیم است. جوان پویا، جستجوگر، بلند پرواز، آزاداندیش و تساوی طلب در یک جامعه اسلام زده، نمی تواند زندگی آرامی داشته باشد. جوانان در ایران برای تنفس هوای آزاد و برای زندگی جوانی باید رو در روی رژیم قرار گیرند و قرار گرفته اند. زندگی جوانی در ایران جرم سیاسی و مذهبی است. جوان به خاطر زندگی جوانی حبس و نفرین و تنبیه میشوند. بیش از دو دهه است که ماشین مهندسی حزب الله و "مسلمان مومن" سازی از جوانان ایران، پرشتاب کار میکند! این معماری نسلهای بعدی تحت حکومت اسلامی و اسلامی کردن جوانان در ایران، شکست خورد. نسل کثی از پدران و مادران جوانان امروز برای سوار کردن یک حکومت فاشیستی قرون وسطایی، نتوانست نسل بعدی را به

گارد آزادی

قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
 اکتبر ۲۰۰۵

پلنوم سوم کمیته مرکزی اصول زیر را به عنوان مبنای گارد آزادی تصویب میکند:
 از آنجا که:

الف - خطر از هم پاشیدن بنیاد های زندگی مدنی و "عراقیزه" کردن جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن توسط دار و دسته های مسلح اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی و همچنین توسط دخالت نظامی آمریکا و متحدین اش به یک خطر دائمی در ایران تبدیل شده است.

ب - بخش زیادی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دارو دسته های قومی و مذهبی مسلح هستند و به سیاست در ایران بعد نظامی داده اند. همچنین بستر اصلی اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی و دولتهای غربی و آمریکا به تبلیغ فدرالیسم قومی در ایران روی آورده و خطر "عراقیزه" کردن جامعه ایران و "سناریو سیاه" را به شدت افزایش داده اند.

پ - بورژوازی اپوزیسیون و دار و دسته های مذهبی و قومی میتوانند در رابطه میان خود با جنبش ها و احزاب سیاسی دیگر "بویژه با طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهان" متوسل به نیروی نظامی شوند و تجربه در ایران و عراق و سایر نقاط جهان نشان میدهد که این کار را خواهند کرد.

ت - در کردستان رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی، بین احزاب سیاسی با هم و با مردم بُعد نظامی داشته و یا به سرعت پیدا خواهد کرد و هیچ نیروی سیاسی بدون داشتن پتانسیل و قدرت نظامی کوچکترین شانس برای دخالت موثر در حیات سیاسی جامعه را ندارد.

ث - حزب باید قادر باشد این خطرات را با قدرت پاسخ گوید، امنیت و آزادی مردم و بنیادهای جامعه را تضمین نموده و اشکالی از سازمان یابی مسلح را در پیش گیرد که با زندگی مردم انطباق داشته و قابلیت دخالت موثر در بعد سراسری ایران را نیز دارا باشد

لذا:

داشتن پتانسیل و قدرت نظامی توسط حزب طبقه کارگر یک امر حیاتی تبدیل است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای دادن پاسخ همه جانبه به این موقعیت "گارد آزادی" را تشکیل میدهد.

۲- گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و



۱۶ آذر در پیش است!



بهرام مدرسی

فواد عبداللهی: تقریباً یکماه و نیم به ۱۷ آذر داریم. در محافل مختلف دانشجویی بحث ۱۷ آذر شروع شده است. سوال من این است که در این روز به نظر شما چه اتفاقی باید بیفتد؟

بهرام مدرسی: همان اتفاقی که در چند سال گذشته افتاده است. دانشگاه در این روز باید به تربیون سیاسی جامعه تبدیل شود و شعارها و مطالبات اساسی که مردم شاید در آن وسعت امکان اعلامش را ندارند از تربیون دانشگاه اعلام کنند.

در سالهای گذشته ما شاهد روندی بوده ایم که فعالین دانشجویی این ضرورت را تشخیص داده اند و بدرستی ←

تماس با ما

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
 bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۲۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
 foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنا
 nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاونت دبیر:
 چماله کمانگر
 jkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

→ ۱۶ آذر در پیش است!

مطالبات و شعارهای اساسی را به این جهت اعلام کرده اند. از برجسته ترین این شعارها و مطالبات شعار "آزادی برابری" بوده است که امروز دیگر به مشخصه اعتراضات دانشجویان در کل کشور تبدیل شده است.

فوادعبداللهی: "به تریبون سیاسی جامعه تبدیل شویم". این انتزاعی روشن و درعین حال پیچیده است. به این باز خواهیم گشت اما پیش از آن سوال من این است که بعضی از نیروهای سیاسی از یکطرف از قیام سرخ دانشجویی در ۱۷ آذر صحبت میکنند، بعضی دیگر آنرا فقط قیام دانشجویی مینامند، تعدادی دیگر خواهان آن هستند که مطالبات رفاهی دانشجویان که همین هفته هم در جریان بوده است به صدر شعارها و مطالبات دانشجویان تبدیل شود. نظر شما درباره این مواضع چیست؟

بهرام مدرس: ببینید به نظر من قرار نیست که در روز ۱۶ آذر هیچ قیامی صورت بگیرد. این یک روز و یک مناسبت است که باید به همین اندازه از آن انتظار داشت و برای آن کار کرد. کسی که انتظار دارد در این روز قیامی صورت بگیرد، چه سرخ و چه هر رنگ دیگری در بهترین حالت بی اطلاعی خود را از اعتراضات مردم و دانشجویان از طرف دیگر بی مسولیتی خود را نشان میدهند. خوشبختانه شعارها و مطالبات این نیروها برد چندان ندارند، هرچند هر اندازه هم که کسی به این ها گوش بدهد، باز هم خطرناک است. کسی که مردم را در این توازن قوای سیاسی و اینجا دانشجویان را در این روز به قیام فراخوان میدهد، فقط مردم را در شرایطی که امروز وجود دارد، با پای خود به سلاخ خانه میفرستد. این روز همانطور که قبلا گفتم یک امکان است که از آن میتوان به بهترین شکل استفاده کرد و تریبونی شود برای اعلام خواسته

های مردم. اگر ما در این روز در سطح کل آن مملکت، در سطح وسیع و همانک شعارها و مطالبات واحدی را اعلام کنیم، جنبش مردم علیه رژیم اسلامی را بسیار بیشتر از امروز تقویت کرده ایم. در رابطه با طرح شعارهای مطالبات رفاهی من با طرح این شعارها مخالفتی ندارم، اما فکر میکنم که وزن اعتراض دانشجویی در جامعه از سر سیاسی بودن آن است و نه رفاهی بودن آن. موقعیت اجتماعی دانشجویان در جامعه با موقعیت کارگران و حتی کل جامعه کار کن متفاوت است. اگر کارگران مطالبات اقتصادی و یا رفاهی را مطرح کنند و اگر بخاطر آنها دست به اعتصاب بزنند، وزن و موقعیتش به علت رابطه این طبقات و اقبال با تولید در جامعه به نسبت دانشجویان از جنس دیگری است.

دانشجویان در جامعه به علت وزن سیاسیشان مهم هستند و این را نباید فراموش کرد. من طرفدار ۱۶ آذر هستم که در آن مطالبات رفاهی دانشجویان اگر هم مطرح میشود وزن اصلی این روز اما در اعلام مطالبات سیاسی آن است که همانطور که گفتید باید بیشتر در این باره صحبت کرد.

فوادعبداللهی: این هفته و هفته گذشته را شاهد موج وسیع اعتراضات دانشجویی بوده ایم که اتفاقا خواست های رفاهی هم داشته اند، گسترش این اعتراضات و شرکت وسیعتر دانشجویان در آن به نسبت سال گذشته را چگونه توضیح میدهید؟

بهرام مدرس: دلیلش اتفاقا سیاسی است! احمدی نژاد سر کار آمد و رژیم اسلامی بدون سپر دوم خرداد مستقیما در مقابل مردم قرار گرفته است، لخت و عور با امام ولی فقیه و کل دستگاه های حکومتیش. اینها اعلام کرده اند که میخوانند جمهوری اسلامی سال ۵۹ و ۶۰ را دوباره زنده کنند، دستاوردهای مردم را پس بگیرند، اما توانش را ندارند، این ضد حمله مردم و اینجا دانشجویان است. گسترش و وسعت شرکت و حضور دانشجویان در این اعتراضات مستقیما به این توازن قوا و

گارد آزادی... →

امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.

۳- گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل میلیس توده ای است و یکی از اشکال اصلی سازمان یابی جوانان و مردم بخصوص در محلات و شهرها است.

۴- در شرایط کنونی "با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان" که از همان ابتدا احزاب بدون پتانسیل نظامی را فاقد هر شانسی میکند، سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (دسته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یا دارودسته های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد.

۵- حزب بتدریج و طبق یک نقشه دقیق و حساب شده سازمان دادن گارد آزادی در سایر نقاط ایران را نیز در دستور خود قرار خواهد دهد.

۶- گارد آزادی در هر منطقه جزو سازمان حزب در آن منطقه است و سلسله مراتب فرماندهی آن توسط کمیته حزب در منطقه تعیین میشود.

۷- گارد آزادی دارای فرماندهی سراسری و ستاد مرکزی است. فرمانده سراسری گارد آزادی به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی و تایید دفتر سیاسی تعیین میشود. فرمانده سراسری گارد آزادی معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی خواهد بود و مستقیما تحت اتوریته او کار خواهد کرد.

۸- واحد های گارد آزادی در محیط زیست مردم و اساسا در شهرها سازمان میابند. بعلاوه گارد آزادی میتواند در شرایط لازم واحد های منظم و متحرک را نیز سازمان دهد. علنی بودن یا مخفی بودن این نیرو تابع شرایط سیاسی و نیازهای حزب است.

۹- سازمان گارد آزادی هر جا که اختناق سیاسی حاکم است از سازمان حزب در محیط کار و زیست جدا است. مبنای سازمان دهی آن واحد های منفصل است که مستقیما به فرماندهی وصل هستند.

۱۰- شرط عضویت در گارد آزادی، مانند عضویت در حزب یعنی تقاضای فرد و پذیرش او توسط کمیته حزب است.

۱۱- عضویت در گارد آزادی و عضویت در حزب یکسان نیستند. اما هر کس با پیوستن به گارد آزادی بطور اتوماتیک عضو حزب خواهد شد مگر اینکه خود صراحتا عکس این را بخواهد.

۱۲- آئین نامه ها، مقررات و ضوابط عمومی گارد آزادی توسط دبیر کمیته مرکزی تهیه میشود و باید به تصویب دفتر سیاسی برسد. در هر حال این ضوابط و مقررات نمیتوانند با اصول سازمانی حزب در تناقض قرار گیرند. رفتار گارد آزادی و اعضای آن نمیتواند با مواد برنامه حزب و فلسفه انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی حزب در تناقض قرار گیرد.

زورآزمایی مردم با رژیم اسلامی ربط دارد که بسیار شورانگیز است و باید وسعت بیشتری هم پیدا کند. مطالبات هم طبعاً آنطوری مطرح میشوند که بشود آنرا مطرح کرد. هر چند که همه این مطالبات رفاهی هم نبوده اند. کسی که به جداسازی درهای ورودی برای دانشجویان دختر و پسر اعتراض میکند که دیگر اعتراضش کاملا سیاسی است، نمیدانم چرا بعضی ها اصرار دارند آنرا رفاهی بنامند؟

فوادعبداللهی: دوست و دشمن میگویند که حکمتیست ها دانشگاه ها را در کل کشور شریک کرده اند. نظراتان در این مورد چیست؟

بهرام مدرس: طبعاً خوشحالم که دوست و دشمن این را میگویند. امیدوارم که اینطور باشد. فکر میکنم که اینجا حکمتیسم بجای کمونیسم بکار برده میشود و این خوب است.



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



ISNA/PHOTO:MEHDI GHASSEMI

دانشگاه های آن کشور یک دست و متحد شعارهای واحدی را در مقابل جامعه قرار خواهیم داد. از همین امروز باید دست بکار شد. خودتان گفتید که حکمتیست ها ظاهرا از سر و کول دانشگاه ها بالا رفته اند، خوب اگر واقعا این طور است، باید بتوان این اتفاق را تضمین کرد. ما بعنوان سازمان جوانان حکمتیست تلاشمان را خواهیم کرد. فراخوانم این است که برای تضمین این اتفاق با ما تماس بگیرید.

فوادعبداللهی: فکر میکنید که عکس

العمل رژیم اسلامی چه خواهد بود؟

بهرام مدرس: خوب حتما سعی خواهند کرد که جلوی این اتفاق را بگیرند. مثل سالهای گذشته. فکر میکنم که نمیتوانند مانع اجرای مراسمها در این روز بشوند. این با ۱۸ تیر فرق دارد. حداکثر سعی میکنند که کاری کنند تا دامنه آن به خیابانها نکشد. از همین الان که شروع کرده اند به خط و نشان کشیدن. دانشجویان که البته بی جوابشان نگذاشته اند باید حتما این شور و شوق اعتراض را تا ۱۶ آذر نگه داشت و حتی برای بعد از آنهم به این شور احتیاج داریم. اما به سواالتان باز گردم، باید با چشمان باز اقدامات رژیم را تعقیب کرد و جواب و سیاست درستی را برای خنثی کردن آنها پیش گرفت. آنها تلاششان را

خواهند کرد اما دامنه کارا بودن اقدامات رژیم بخشا به این هم بستگی دارد که خود ما چقدر آماده ایم.

فوادعبداللهی: باتشکر در هفته آینده این

بحث را ادامه خواهیم داد.

بهرام مدرس: مرسی از وقتی که به من دادید. حتما باید به ابعاد گوناگون کرمان برای این روز بپردازیم.

جز در مقاطع انقلابات و خارج شدن کنترل از دست حکومت های مرکزی، دور بوده است. چندین قرن دیکتاتوری و حکومت های مستبد و اختناق های سیاسی پشت سر هم، هرگز به مردم ایران بطور مستمر امکان متشکل شدن و سازمان یافتن را نداده است. ما در ایران، همیشه در شرایط بحران های سیاسی و شل شدن بندهای حکومت شاهد تحرک عظیم برای متشکل شدن و سازمانیابی بوده ایم. این امکان امروز بیش از همیشه وجود دارد. بر سر هر موضوع و مسئله ای جوانان، زنان، فعالین حقوق کودک، فعالین محیط زیست، کارگران معترض، معلمین و تهیدستان و مخالفین اعدام و سنگسار، میتوانند متشکل شوند و سازمان یابند. این کار شدنی است. مردم به اعتقاد من متحد اند. برسر رفتن رژیم و مرگ بر جمهوری اسلامی و نفرت از حکومت مذهبی در ابعاد میلیونی متحداند. اما به تناسب اتحادشان متشکل نیستند. بر متن این اتحاد میتوان متشکل شد. جنبش سراسری مرگ بر جمهوری اسلامی هر روز از جایی به شکلی سربرمیآورد. این جنبشی است که ۲۶ سال است در صحنه است. میتوان اشکال بروز آن را در سرپیچی میلیونی جوانان و زنان از فرامین اسلامی و در ابعاد تنبیهات و

دیگری کنند، یا سیستم فاشیستی دیگری جای آن را خواهد گرفت. از رژیم پوسته ای بیشتر هم باقی نمانده باشد، باز مردم باید با قیام خود آن را به زیر بکشند. اینها با زبان خوش و "از خستگی" و "بی راه حلی" دست از حکومت نمی کشند. باید به زور به زیرشان کشید. موضوع این است که اگر مرده رژیم هم رو به "قبله" دراز کشیده باشد، باز باید گورکنانش، جوانان، زنان، کارگران جامعه آماده باشند و آن را به خاک بسپارند.

فواد عبداللهی: می گویند جامعه فقیر

سازمانیابی و متشکل شدن دارد. می گویند مردم متحد نمی شوند. چطور می توان این حکم را شکست. برای متحد شدن علیه رژیم اسلامی، کار نسل جوان چه باید باشد؟ چطور می توان محلات را توسلا "بچه های محل" کنترل و در عین حال دست حاکمیت و قوانین مذهبی را کوتاه کرد؟

ثریا شهابی: جامعه فقر سازمانیابی و متشکل شدن ندارد. اینطور نیست که گویا مردم ایران به خاطر "فقر فرهنگی" یا "فقدان آگاهی" و یا عدم درک "روشنفکران" و "پیشقراولان" و یا عدم احترام به "دمکراسی" خاصیت کار متشکل را درک نکرده اند. مسئله برعکس است. امکان متشکل شدن همیشه از دسترس مردم ایران،

سیاسی فعال در صحنه سیاست ایران نگاه کنید و درک کنید چه نفرت عمیقی از رژیم اسلامی در آن جامعه موج میزند و اگر ببینید که رژیم اسلامی دیگر آخرین تیرش را با سر کار آمدن احمدی نژاد در کمان کرده است، آنوقت متوجه میشوید که یک اعتراض دانشجویی یک دست در روز ۱۶ آذر و یا حتی مناسبت های دیگری که خواهیم داشت، چه کمکی به یک دست کردن و بخت کردن کل اعتراض در آن جامعه به نفع انسانیت و آزادی میتواند داشته باشد. در حالی که نیروهای قدیم دوم خرداد و راست های وابسته به غرب و ناسیونالیست های ترک و غیره، رو به فدرالیسم کرده اند و در مقابل این نفرت مردم از رژیم اسلامی پرچم جنگ قومی را بلند کرده اند. یک اعتراض متحد دانشجویی که شعارش بر عکس همه این سناریوها، آزادی و برابری انسان ها است و به قوم پرستی و فدرالیسم و جنگ قومی و تحمیل سناریو سیاه "عراقیزه" کردن ایران و جنگ داخلی و دخالت آمریکا درست به اندازه مخالفتش با کل رژیم اسلامی، نه میگوید، کل مبارزه برای انسانیت و آزادی و برابری را صدها قدم جلو خواهد برد.

این چیزی است که ما در روز ۱۶ آذر باید تضمین کنیم. باید تضمین کنیم که در کل

جهان شاهد یکی از عظیم ترین حرکت های بشری قرن خواهد بود.

فواد عبداللهی: نسل جوان به خوبی میدانند

که این رژیم نه متعارف است و نه قابل

بقا. این نسل به شیوه ای دیگر از زندگی

پی برده است. حتی اغلب اوقات وقتی پای

صحبت های جوانان می نشینید می توانید

حس برنیز که مطالباتشان چقدر رادیکال و

در عین حال مشترک است. سوال این است

که اگر این رژیم عمر خود را تمام کرده است

پس چرا هنوز به بقا. خود ادامه می دهد؟

ثریا شهابی: درست است، این رژیم عمر خود را کرده است. اینکه چرا میماند را باید در غیبت گورکنانش جستجو کرد. حکومت اسلامی ایران قدرت، امکان و شرایط بقا خود را از دست داده است. این حکومتی است که هم مردم تحت حاکمیت اش و هم خود جنابان در قدرتش از رفتن آن حرف میزنند. با این وجود این دمل چرکین، این غده سرطانی، این گنجینه تعفن و چرک اگر کسی آن را نیاندازد، خودبخود نمی افتد. خشک نمی شود. میتواند همراه مرگ خودش تمام جامعه را به نابودی و تباهی بکشاند. رژیم رفتنی است. اما اگر مردم و جوانان کار آن را یکسره نکنند، این رفتن یا به تعویق میافتد آنقدر که ایران را عراق

فوادعبداللهی: به تریبون سیاسی جامعه تبدیل شویم. به این بحث باز گردیم. منظورتان چیست؟

بهرام مدرس: همانطور که قبلا گفتم

روز ۱۶ آذر امکانی است که دانشجویان میتوانند از آن استفاده کنند و خواسته ها و مطالبات اساسی مردم را طبعاً به نسبت همین توازن قوایی که وجود دارد اعلام کنند و از این طریق پرچم هایی را به دست اعتراض مردم در آن جامعه بدهند. سالهای گذشته ما شاهد گسترش بی سابقه شعار زنده باد آزادی و برابری در تمام محیط های تحصیلی و بخصوص دانشگاه ها بوده ایم و از همین طریق بود که این شعار امروز دیگر به یکی از اصلی ترین شعارهای مردم در کل جامعه تبدیل شده است. شعار آزادی و برابری دیگر فقط به دانشگاه و دانشجو و محیط های تحصیلی مربوط نیست. این همان امکانی است که قبلا در مورد آن صحبت کردم. امسال هم همین اتفاق باید بیفتد. باید تلاش کنیم که هماهنگ و یک دست شعارها و مطالبات واحدی را مطرح کنیم. و از این طریق به این تریبون تبدیل شویم. امروز بخصوص این امر به نسبت سالهای گذشته اهمیت بسیار بسیار بیشتری هم پیدا کرده است. اگر به نیروهای

مصاحبه با ثریا شهابی

تسلیم بکشاند. ایران هرگز یک جامعه مذهبی و "فناتیک" نبوده است. مردم ایران همیشه به غرب و زندگی نسبتاً آزاد غربی تمایل بسیار بیشتری داشته اند تا زندگی در اندرونی و بیرونی و حرم سرا و رعایت آئین نجاسات و ثواب و گناه! مردمی که از زمان مشروطه در ارتباط با جهان تمدن و علم و پیشرفت غرب قرار داشتند را به زور زنده در تابوت اسلامی محبوس کردند. این موجود زنده، از همان روز تولد طاعون اسلامی در ایران، مرتب در حال دست و پا زدن بوده است. کشمکش جوانان با رژیم از اینجا ناشی میشود. جوان ایرانی خود را از جوان سوئدی و آمریکایی و فرانسوی کمتر نمی داند. این نسل خود را نه فرزند ابولفضل و فاطمه زهرا که نسل مایکل جکسون و بانجوی و مادونا میدانند. جوانان در ایران نسلی نه تنها مدرن، غربی و ترقیخواه اند، که ضد مذهبی و ضد اسلامی اند. اینها نیروی انقلاب ضد اسلامی ایران اند. هنوز به حرکت در نیامده اند. روزی که این نسل بنیان تباهی اش را مرخص کند، نه تنها ایران که

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



برنامه های پرتو روزهایی جمعه از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران (۶ تا ۷ بعدازظهر به وقت اروپا)

مرکز و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت (مرکز و غربی از شبکه کاتال یک پخش میشود)

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

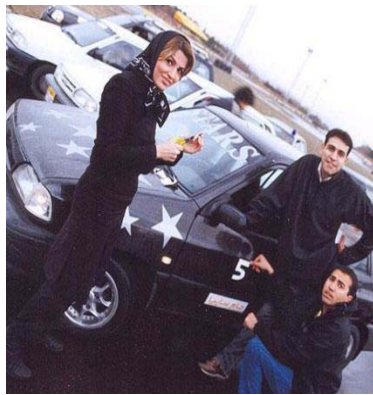
(مرکز و شمالی):

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

تبدیل کرد؟ آیا نمی توان آنها را فراری داد؟ و آیا نمی توان دست در دست بچه های محله های دیگر شبکه وسیعی از جوانان سازمان یافته که قدرتشان در دفاع از حقوق انسانی مردم را همین امروز اعمال میکنند، سازمان داد. این ساده ترین شکل سازمانیابی است. سازمانیابی که هم امروز میتواند موجب تغییراتی در زندگی و محیط زندگی مردم شود و هم به موقع و در روز خودش میتواند کانونهای قیام مردم علیه حکومت را شکل بدهند. من تردید ندارم که جوانان خود اشکال متنوع اینگونه سازمانیابی را به خوبی میدانند.



نشانند. اینها قوانین ننوخته ای است که همه جا کار میکند. در غرب به آن مکانیسم های غیر رسمی میگویند. یا "فرهنگ" غالباً! مثلاً در محله ای که جوانان مترقی و پیشرو زندگی میکنند، توهین به زن آسان نیست. مردم به راحتی آن را تحمل نمی کنند. خوب آیا نمی توان دامنه نفوذ و قدرت این مکانیسم را گسترش داد. مثلاً محله را کاملاً اسلام زدایی کرد؟ از نشانه های زن ستیزی و قدرتمندی حزب الله و "بچه مسلمان ها" آن را پاک کرد؟ آیا نمی توان اجازه نداد که در محله ما کسی کودک آزاری کند؟ آیا نمی توان محله را به محل دسترسی به ادبیات رادیکال تبدیل کرد؟ آیا نمی توان محله را به پاتوق همه کسانی که از اسلامی ها دل خونی دارند، بی حجاب ها، مخالف اعدام ها و ... تبدیل کرد؟ و آیا نمی توان محله را به جایی که هیچ حزب الله و پاسدار و آخوند و مرتجعی در آن احساس راحتی نکنند،

هرچه بیشتر در دسترس مردم و جوانان قرار دهیم. برای این کار ما منشور سرنگونی رژیم را اعلام کرده ایم. منشوری که به اعتقاد ما میتواند این خلا را پر کند. با این پرچم و با سازمانیابی حول آن و با پیوستن به سازمان جوانان حکمتیست و حزب اش، شرایط برای دست زدن به یک قیام علیه رژیم و پائین کشیدن تام و تمام آن، میتواند فراهم شود. این در اشل ماکرو و سراسری. اما در اشل محلی به اعتقاد من امکان کنترل محلات توسط جوانان محل همین امروز کاملاً وجود دارد.

میپرسید که بچه های محل چگونه کنترل محل را در دست بگیرند. به اعتقاد من در خیلی از محلات این کنترل عملاً وجود دارد. شما نمی توانید در محلی که بچه هایش مثلاً تیم فوتبال دارند یا با هم جشن آدمک برفی برگزار میکنند، هرکاری دلتان خواست انجام دهید، مثلاً به راحتی کودک آزاری کنید یا مانع استفاده بچه ها از زمین فوتبال شوید! فشار گروه، فشار تیم (از نوع خوبش) خاصی را سرچاپش می

سرکوبها به خاطر بد حجابی ها و ارتکاب "مفاسد اسلامی" دید. این جنبش سراسری که هم عمر رژیم است میتواند تشکل سراسری خود را داشته باشد. جنبش سراسری علیه رژیم حی و حاضر و متحد در صحنه است. مشکل فقدان سازمانیابی است. نه فقر سازمانیابی! عدم سازمانیابی از "نادانی" و "بی فرهنگی" مردم نیست. از عدم دسترسی آنها به سازمان مردمی خودشان است. مشکل فقدان پرچم و پلاتفرمی است که مردم را بتوانند حول خود در بعد سراسری سازمان دهد و متشکل کند. این فوری ترین نیاز مردم و جوانان برای خلاصی از شر حکومت جوان ستیز است. فقدان رهبری اصلی ترین گرگه سازمان یابی مردم است. رهبری که بتواند مردم را حول خواستهای خودشان متشکل کند و در ابعاد میلیونی به حرکت درآورد. ما تلاش میکنیم که سازمان و پرچم و رهبری جنبش سراسری خلاصی از شر رژیم را تامین کنیم و آن را

ضمیمه بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

منشور سرنگونی

جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است. معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است. ۱ - اعلام سرنگونی و انحلال "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم. ۲ - انحلال کلیه "حوزه های علمیه" ۳ - دستگیری سران جمهوری اسلامی ۴ - مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیرویی به آزادی ها و حقوق مردم. ۵ - اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. ۶ - لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی. ۷ - اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب. ۸ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. ۹ - اعلام برابری کامل حقوق همه

جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفتارند باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه بررسی، انجام شود. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاي دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.



به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!